

تحلیلی بر تأثیر رضایت شغلی بر سلامت روان معلمان

سید صمد بهشتی: استادیار، گروه جامعه شناسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران- نویسنده رابط: sbeheshty@yu.ac.ir

محمد نوریان نجف آبادی: دانشجوی دوره دکتری، گروه جامعه شناسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

چکیده

زمینه و هدف: سلامت روان یکی از ابعاد سلامت و متاثر از کیفیت زندگی کاری است. هدف این تحقیق تعیین تجربی اثر رضایت شغلی بر سلامت روان معلمان با در نظر گرفتن نقش تعدیلگر جنس و رشته تدریس است.

روش کار: پژوهش حاضر به روش کمی و به شیوه پیمایشی، با ابزار پرسشنامه و با استفاده از نرم افزار SPSS و AMOS انجام شد. جمعیت آماری تحقیق کلیه معلمان مقطع (متوسطه اول و دوم) شهر نجف‌آباد اصفهان به تعداد ۱۵۰۰ نفر با حجم نمونه ۳۷۳ نفر بود. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای بود.

نتایج: تحلیل عاملی تأییدی گویه‌های نشان داد این گویه‌ها قادرند ۶۳/۲۵٪ واریانس متغیر سلامت روان را تبیین کنند. همچنین اثر استاندارد رضایت شغلی بر سلامت روان به میزان ۰/۳۷ می‌باشد ($p < ۰/۰۰۱$) و می‌تواند ۱۳٪ از واریانس سلامت روان افراد را تبیین کند. نتایج نشان داد میانگین سلامت روان (۶۶/۶۴) معلمان پایین تر از میانگین طیف و میانگین رضایت شغلی آنان (۷۳/۹۰) بالاتر از متوسط طیف می‌باشد ($p < ۰/۰۰۱$).

نتیجه‌گیری: رضایت شغلی با تأثیر اثبات شده‌ای که بر سلامت روان معلمان دارد می‌تواند ضمن بهبود بخشیدن به زندگی فردی و اجتماعی معلمان، به کارایی بیشتر آنها در زمینه آموزش و پرورش بیانجامد. در این رابطه جنس و رشته تدریس معلمان می‌توانند اثر رضایت شغلی بر سلامت روان معلمان را تحت تأثیر قرار دهند. به این صورت که میزان بتا برای گروه زنان با ۰/۵۵ و برای معلمان علوم تجربی با ۰/۶۸ اثر قویتری نسبت به گروه مردان و معلمین سایر رشته‌ها دارد.

واژگان کلیدی: رضایت شغلی، سلامت روان، اثر تعدیلگری، معلمان، شهر نجف‌آباد، ایران

مقدمه

این سازمان بهداشت روانی را یکی از اصول اولیه بهداشتی در دستور کار کشورهای عضو قرار داده است یکی از دلایل توجه به مسأله بهداشت روانی این است که تقریباً هیچ فردی از گرفتار آمدن به بیماری‌های روانی مصون نیست و بیماری روانی هم استثنا نمی‌شناسد، به‌خصوص در زمان حال که عصر فشار روانی نامیده شده است. در این دوران بیش از هر زمان دیگر افراد در معرض فشارهای عصبی- روانی قرار گرفته‌اند (۲).

سلامت روانی از موضوعاتی است که در سال‌های اخیر مورد توجه اندیشمندان حوزه‌های مختلف روان‌شناسی و علوم اجتماعی قرار گرفته است. سازمان جهانی بهداشت سلامت روان را، حالتی از سلامتی می‌داند که در آن فرد توانایی‌های خود را می‌شناسد، می‌تواند با فشارهای طبیعی زندگی مقابله کند، برای جامعه مثمر ثمر باشد و قادر به تصمیم‌گیری و مشارکت جمعی باشد. بر این اساس سلامت روانی مبنای رفاه و سلامتی برای افراد و جامعه است (۱).

پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با سلامت روانی معلمان در ایران نشان داده‌اند که شیوع اختلالات روانی در میان این گروه نسبتاً بالاست؛ و روزانه در اخبار و جراید شاهد گزارش تنبیهات بدنی شدید و خشونت کلامی توسط معلمان بیان شده است. تنبیهاتی که حتی گاهی اوقات باعث اقدام به فرار از مدرسه شده است. تحقیقات انجام شده در زمینه سلامت روانی معلمان در ایران نشان می‌دهند که شیوع اختلال‌های روانی در میان این قشر، طیفی از ۱۴/۹٪ تا ۳۴/۷٪ بوده است (۵-۴). خشونت بدنی در مدارس پسرانه بیشتر از مدارس دخترانه گزارش شده است و پژوهش‌های انجام شده نیز بر وجود خشونت گفتاری دانش‌آموزان نسبت به یکدیگر و حتی از سوی معلمان تأکید دارد (۶).

برخی محققان پایین بودن رضایت شغلی را با تعدادی علائم بالقوه آسیب‌رسان مرتبط دانسته‌اند. همچنین خاطر نشان می‌کنند که رضایت شغلی به منظور تضمین ارائه خدمات با کیفیت مطلوب به دانش‌آموزان ضروری است. یافته‌های تحقیقات نشان می‌دهند که رضایت شغلی بر سلامت روانی و جسمی فرد تأثیر دارد (۹-۷). عدم رضایت شغلی با استرس و خستگی مرتبط است (۱۱-۱۰).

با توجه به اعتراضات و اعتصابات که در سال‌های اخیر، توسط معلمان در نقاط مختلف کشور انجام شده می‌توان قضاوت کرد که نارضایتی در بین آن‌ها افزایش یافته است و گاهی شاهد هستیم معلمان برای امرار معاش زندگی خود شغل دوم و بعضاً سوم انتخاب می‌نمایند و در کنار آن مشغول تعلیم و تربیت سرمایه‌های آینده (دانش‌آموزان) این کشور می‌باشند.

با توجه به اینکه حدوداً وضعیت ۲۰ میلیون دانش‌آموز به عملکرد معلمان مرتبط است. باید مسئولان مربوطه تدابیر لازم را در تأمین نیازهای اولیه معیشتی آنان بکارگیرند. در شرایط تورم و نوسات قیمت‌ها حال حاضر جامعه و عدم توجه لازم به رشد درآمد معلمان جامعه و فراهم نیاموردن حداقل تسهیلات برای آنان منجر به کاهش انگیزه معلمان در

یکی از گروه‌های شغلی که تأثیر بی‌بدیلی بر جامعه دارند معلمان هستند. معلم با دانستن علم بهداشت روانی و توجه به آن می‌تواند: کودکانی را که دچار مشکلات روحی هستند و کمک‌های مخصوص لازم دارند تشخیص دهد. طوری رفتار کند که آن‌ها با برخورداری از سلامتی کامل تحصیل نمایند. کاری کند و رویه‌ای پیش گیرد که از درس- هایش بیشتر استفاده شود تا دانش‌آموزان بتوانند به راحتی آن‌ها را بیاموزند. به نتیجه رسیدن چنین کارکردهایی منوط به وجود شخصیت سالم و تعادل روانی معلمان است چرا که تماس نزدیک معلم با دانش‌آموزان و نفوذ و تأثیری که بر آن‌ها دارد، نقش مهمی در سلامت فکری و روانی آن‌ها ایفا می‌کند.

با توجه به همسانی اهداف آموزش و پرورش و بهداشت روانی که مقصود هر دو تربیت انسان‌هایی سالم، مفید و خوشبخت است، ضرورت چنین بررسی‌هایی در آموزش و پرورش مهم تلقی می‌شود. اگر وضعیت سلامت روانی معلمان شناسایی گردد و به منظور بهبود سلامت روانی آنان برنامه‌ریزی شود، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نیز بهتر شده و با کاهش نرخ افت تحصیلی دانش‌آموزان، کمک قابل توجهی به آموزش و پرورش خواهد شد (۳).

عوامل مؤثر بر سلامت روانی معلمان بسیار پیچیده است و طیفی از عوامل زیست‌شناختی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، اقتصادی و فرهنگی را در برمی‌گیرد. با توجه به اینکه انسان‌ها بسیاری از ساعات عمر خود را مشغول به انجام فعالیت شغلی خاص هستند، رضایت از شغل نیز می‌تواند سلامت روان آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین برخی متغیرهای وجود دارند که بر رابطه بین رضایت شغلی با سلامت روان اثر می‌گذارند و آن را تعدیل می‌کنند. در این تحقیق ضمن بررسی اثر رضایت شغلی بر سلامت روان معلمان، نقش کنترل و تعدیل‌کننده جنسیت و رشته تدریس در این رابطه مورد مطالعه قرار گرفته است.

سازمان به همه افراد جامعه خواهد رسید. کارگر راضی، شادابی و مسرت را از سازمان به خانه و جامعه منتقل می‌کند. بنابراین می‌توان با توجه به مسئولیت‌های اجتماعی و مقدار پولی که در سایه وجود رضایت شغلی نصیب جامعه خواهد شد از این پدیده دفاع کرد.

Smith و همکاران معتقد هستند پنج بُعد شغلی معرف خصوصیات برجسته شغلی است که در ذیل به اختصار به معرفی آن‌ها پرداخته شده است. رضایت از کار: ۱- یعنی قلمرو وظایفی که دبیران انجام می‌دهند جالب باشد و فرصت‌هایی برای آموزش و یادگیری آنان فراهم سازد. ۲- رضایت از مافوق: یعنی توانایی فنی و مدیریتی مدیران و ملاحظاتی که آنان برای علائق کارکنان از خود نشان می‌دهند. ۳- رضایت از همکاران: یعنی میزان دوستی، صلاحیت فنی و حمایتی که همکاران از خود نشان می‌دهند. رضایت از همکاران، منبعث از نحوه ارتباطات آن‌ها است. ۴- رضایت از ترفیع: یعنی دسترسی به فرصت‌های واقعی برای پیشرفت در کارکنان. ۵- رضایت از حقوق: یعنی میزان حقوق دریافتی، برابری ادراکی در مورد حقوق و روش پرداختی به دبیران (۱۴).

Goldberg سلامت روانی را به چهار دسته تقسیم کرده است که عبارت است از: ۱- نشانه‌های جسمانی ۲- سلامت جسمانی دال بر عمل نرمال بدن است که سلامتی زیست‌شناختی را در نظر می‌آورد. نشانه‌های سلامت جسمی در یک فرد در پوست، چشم، مو و کارکردهای خواب، فعالیت منظم روده‌ها و حرکات بدنی هماهنگ و راحت نمود می‌یابد. اضطراب و بی‌خوابی هیجان ناخوشایندی است که با اصطلاحاتی مانند دل‌نگرانی و دلشوره، وحشت و ترس بیان می‌شود ۳- کارکرد اجتماعی طرز فکر در ارتباط با کارکرد اجتماعی در اجتماع و در ارتباط با افراد دیگر است ۴- علائم افسردگی یک نوع اختلال خلقی که دو مشخصه عمده آن ناامیدی و غمگینی است و در آن فرد علاوه بر این دو مشخصه احساس بی‌کفایتی می‌کند (۱۶).

Allport افراد دارای سلامت روان را انسان بالغ

امر تعلیم و تربیت می‌شود. معلمان اگرچه در ابتدا، عموماً شغل خود را دوست داشته و از روی علاقه به آن روی آورده‌اند، اما پس از چندی به دلیل حقوق کمی و امکانات رفاهی و بی‌عدالتی‌های موجود در کار در مقایسه با دیگر مشاغل سطح زندگی خود را نامطلوب یافته و اعتبار و حیثیت اجتماعی مورد انتظار خود را نیز در خطر می‌بینند. نارضایتی معلمان و کاهش اعتبار و منزلت آنان در جامعه نیز باعث ناکارآمدی نظام و تعلیم و تربیت برای پرورش نسل آینده و کاهش تأثیرات الگویی معلمان برای دانش‌آموزان می‌شود.

تحقیقی دیگر نشان می‌دهد که رضایت و نارضایتی شغلی قضاوت ارزشی مثبت یا منفی است که فرد از شغل خود یا موقعیت شغلی‌اش دارد. پس رضایت شغلی نگرش کلی فرد است نسبت به شغل معین یا حالتی است که شخص از شغل خود راضی است و نسبت به آن احساس مثبت یا منفی ابراز می‌دارد (۱۲).

در مطالعه دیگر رضایت شغلی تابعی است از سازگاری انتظارات سازمانی با نیازهای سرشت کلی فرد، وقتی این دو توافق و تعادل داشته باشند، گفته می‌شود رضایت شغلی وجود دارد. جامعه‌شناسان رضایت شغلی را در گرو عوامل متعددی می‌دانند، از عوامل سازمانی گرفته تا عوامل محیطی مانند شرایط محل کار، روابط با همکاران، شیوه مدیریت و عوامل محتوایی از جمله میزان استقلال در کار، احساس مسئولیت و بالاخره عوامل فردی که به علاقه، شخصیت، اعتماد به نفس و عزم و اراده فرد برمی‌گردد. این تعابیر متناسب با شرایط جوامع مختلف، دستخوش تغییراتی هرچند جزئی (۱۳).

بدون شک، اندازه‌گیری میزان خشنودی شغلی کارکنان و بررسی نقاط ضعف و قدرت مؤثر در کاهش یا افزایش خشنودی کارکنان، سازمان‌ها را در ارائه خدمات بهتر، تولید محصولات مناسب‌تر و نهایتاً ارتقای بهره‌وری کمک خواهد کرد. مزایای حاصل از رضایت شغلی کارکنان

روش کار

مطالعه حاضر، کمی است و به شیوه پیمایشی، به صورت مقطعی اجرا شده است. جمعیت آماری تحقیق را کلیه معلمان مقطع متوسطه اول و دوم شهر نجف‌آباد در سال ۱۳۹۹ تشکیل می‌دهند که بر اساس اعلام اداره آموزش و پرورش این شهر، تعداد کل آن‌ها ۱۵۰۰ نفر بوده است. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۷۳ نفر مشخص گردید. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای بوده است به این صورت که نخست اطلاعات مربوط به اسامی مدارس و مکان آن‌ها از اداره آموزش و پرورش نجف‌آباد دریافت شد. سپس با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده ۲۱ مدرسه انتخاب شدند. در مرحله بعد با معیار قرار دادن جنسیت و نیز رشته تخصصی تدریس معلمان، به شیوه تصادفی ساده از هر مدرسه چند نفر از معلمان انتخاب شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند.

برای اندازه‌گیری متغیرها و جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق به طور کلی از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. برای سنجش سلامت عمومی، از پرسشنامه ۲۸ سؤالی سلامت عمومی، Goldberg، (GHQ-28) استفاده شد. دامنه نمرات این پرسشنامه از صفر تا ۸۴ می‌باشد. نمره بالاتر در این مقیاس نشانگر عدم سلامت عمومی هست (۱۶). پایایی این پرسشنامه قبلاً در مطالعه پهلوان‌زاده و جاراللهی (۱۳۹۰) و غیرتی و همکاران (۱۳۹۵) و نوربالا و همکاران (۱۳۹۷) (۱۷-۱۹) به ترتیب برابر ۰/۸۸، ۰/۸۲، ۰/۹۲ و ۰/۸۷ و برای خرده مقیاس‌ها بین ۰/۷۱ تا ۰/۹۱ برآورد شده است. در مطالعه حاضر برای محاسبه میزان پایایی و همابستگی درونی مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ نشان داد که ضریب پایایی مقیاس به‌طور کلی برابر با ۰/۷۷ و برای مؤلفه‌های اضطراب/بی‌خوابی (۰/۷۷)، علائم جسمانی (۰/۷۹)، سوء عملکرد اجتماعی (۰/۷۳) و افسردگی (۰/۷۵) محاسبه گردید.

برای سنجش رضایت شغلی در این تحقیق، از پرسشنامه استاندارد اسمیت و همکارانش استفاده شد (۱۴).

می‌نامد و برای آن هفت معیار را مطرح می‌کند که عبارتند از: گسترش مفهوم خود، ارتباط صمیمانه با دیگران، امنیت عاطفی، ادراک واقع بینانه، مهارت و وظایف و عینیت بخشیدن به خود و فلسفه یگانه‌ساز زندگی. با توجه به گفته آپورت هرچه شخص با فعالیت‌ها، مردم و اندیشه‌های متنوع‌تری در ارتباط باشد، سلامت روان بیشتری دارد. کار و مسئولیت به زندگی انسان معنا می‌بخشد؛ بنابراین بدون داشتن کاری مهم و ارزشمند و بدون ایثار، تعهد و مهارت‌های کافی برای انجام دادن آن‌ها، رسیدن به بلوغ و سلامت روانی میسر نیست.

Frankel داشتن معنایی برای زندگی را به عنوان معیاری برای سنجش سلامت روان فرد می‌داند. افراد سالم همواره برای رسیدن به این معنا تلاش می‌کنند. فرانکل انسان بودن را در ایثار برای دیگران معنی می‌کند او معتقد است هرچه ایثار در فرد بیشتر شود شخصیت وی کامل‌تر می‌گردد. Menger سلامت روانی را حداکثر سازش ممکن فرد با جهان اطرافش، به طوری که باعث شادی و برداشت کاملاً مفید و مؤثر شود می‌داند.

Maslow در این رابطه سلسله مراتب نیازها را نام برده و معتقد است که نیاز سطح پایین بایستی ارضا شود تا انسان بتواند به نیازهای برتر دست یابد. وی پیشنهاد کرد فقط نیازهایی که برآورده نشده باشند باعث حرکت انسان می‌شوند. طبق گفته مزلو نیازهای ضروری بر اساس شدت و اهمیت آن‌ها در سلسله مراتب قرار می‌گیرند. (نیازهای فیزیولوژیکی، نیازهای امنیتی، نیازهای اجتماعی، نیازهای احترام، خودیابی) (۱۵). همه‌ی صفات مطرح در نظریه‌های بالا مکمل یکدیگرند و وجود آن‌ها عزت نفس و در نتیجه سلامت روان افراد و همچنین روابط و پیوندهایشان را گسترش می‌بخشد.

بر اساس جدول ۱ می‌توان نتیجه گرفت که توزیع آماری نمونه پژوهش نرمال هست. نتیجه آزمون تی تک نمونه‌ای برای هر دو متغیر با اطمینان ۹۹٪ این فرضیه را تأیید کرد که در سطح نمونه و جامعه آماری میزان سلامت روانی پایین‌تر از سطح متوسط و میزان رضایت شغلی معلمان بالاتر از سطح متوسط است.

با توجه به شکل ۱ متغیر وابسته این تحقیق (سلامت روان) به صورت یک مدل اندازه‌گیری انعکاسی تدوین و برازش شده است. نتیجه تحلیل عاملی تأییدی گویه‌های نشان می‌دهد این گویه‌ها قادرند ۶۳/۲۵٪ واریانس متغیر سلامت روان را تبیین کنند. بارهای عاملی بالای موجود در الگو و میزان واریانس تبیین شده عامل‌های پنهان در الگو نشان دهند اعتبار این سازه و قدرت بالای الگو در تبیین واریانس هر بعد از این متغیر است. الگوی اندازه‌گیری متغیر ذکر شده در شکل ۱ نمایش داده شده است و در جدول ۲ شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی الگو نشان‌دهنده برازش مناسب الگو هستند.

در شکل ۲ از مدل‌سازی معادلات ساختاری با به‌کارگیری نرم‌افزار AMOS استفاده شده است روند کار به این صورت بود که ابتدا مدل اندازه‌گیری متغیر سلامت روان بر اساس نمرات عاملی متغیرهای تشکیل‌دهنده آن تدوین و محاسبه شد. مدل اندازه‌گیری ابعاد مختلف متغیر رضایت شغلی نیز بر اساس گویه‌های موجود در پرسشنامه تدوین و محاسبه شد. سپس برای آزمون فرضیه‌ها روابط ساختاری بین عامل‌های مکنون اندازه‌گیری شدند. در جدول ۳ شاخص‌های برازش مدل نشان‌دهنده برازش مناسب مدل هستند. بتای به دست آمده در مدل نشان از معنادار بودن اثر رضایت شغلی بر سلامت روان به میزان ۰/۳۷ با سطح معنی‌داری ($p < 0/001$) است. پس فرضیه پژوهش با اطمینان ۹۹٪ پذیرفته می‌شود. بر اساس این مدل، رضایت شغلی ۱۳٪ تغییرات واریانس سلامت روان را تبیین کند و بیان می‌کند با افزایش رضایت شغلی، میزان سلامت روان افزایش می‌یابد.

این پرسشنامه مرکب از ۲۰ آیتم بود که میزان رضایتمندی از شغل، سرپرست، همکاران و ترفیعات را می‌سنجد. دامنه نمرات این پرسشنامه از ۲۰ تا ۱۰۰ می‌باشد. نمره بالاتر در این مقیاس نشانگر رضایت شغلی بالاتر هست. ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در مطالعه آقاباری هیر، وفایی اقدم، دشتی و همکاران، پورصادقیان و همکاران (۲۲-۲۰). به ترتیب برابر با ۰/۹۲، ۰/۸۶، ۰/۹۳ و ۰/۸۷ و برای خرده مقیاس‌های آن بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۰ محاسبه گردید. در مطالعه حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۷۹ محاسبه گردید که در دامنه قابل قبولی قرار دارد. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری بر حسب مدل‌های اندازه‌گیری شده و نیز بارهای عاملی برآورد شده (شکل‌های ۱ و ۳) به خوبی نشان دهنده اعتبار سازه پرسشنامه‌های استفاده شده در این تحقیق هست.

نتایج

از مجموع ۳۷۳ پاسخگوی این تحقیق، ۵۴/۴٪ را زنان و ۴۵/۶٪ را مردان تشکیل داده‌اند. دامنه سنی پاسخگویان بین ۲۴ تا ۶۰ سال بوده است. ۶۷/۳٪ از افراد مذکور متأهل و ۳۲/۷٪ مجرد بوده‌اند. ۴۱/۳٪ از پاسخگویان تحقیق، در روستا و ۵۸/۷٪ نفر در شهر مشغول به خدمت بوده‌اند.

از طرفی ۴۱/۸٪ مردان دارای مدرک کارشناسی، ۵۴/۷٪ کارشناسی ارشد و ۵/۳٪ دکتری و ۴۴/۸٪ زنان داری مدرک کارشناسی، ۴۸/۳٪ کارشناسی ارشد و ۴/۴٪ داری مدرک دکتری می‌باشند.

با توجه به یافته‌های تحقیق ۲۹/۴٪ مردان در رشته ادبیات و علوم انسانی، ۴۴/۷٪ علوم تجربی و ۲۵/۹٪ در رشته ریاضی فیزیک مشغول به فعالیت می‌باشند از ۴۸/۳٪ زنان در رشته ادبیات و علوم انسانی، ۱۸/۷٪ علوم تجربی و ۴۲/۹٪ از مردان در رشته ریاضی فیزیک مشغول به آموزش می‌باشند.

بحث

موضوع کلی مورد بررسی این مقاله است که آیا متغیر پیش‌بین (رضایت شغلی) به عنوان یک متغیر اثرگذار در بسیاری از ابعاد زندگی انسان‌ها می‌تواند بر سلامت روانی اثر گذار باشد و آن را تبیین نماید؟ و هم اینکه آیا متغیرهای جنسیت و رشته تدریس می‌توانند در این رابطه مداخله کرده و نتیجه را بر حسب گروه‌های مختلف تغییر دهند یا خیر.

با توجه به دامنه نمرات گویه‌های سلامت روان؛ نمره بالاتر در این مقیاس نشانگر سطح نه چندان مطلوب سلامت روان معلمان هست. در مطالعه حاضر میانگین برآورد شده سلامت روان ۶۴/۶۶ شده است که از میانگین طیف که ۴۲ بوده بیشتر شده است. نتیجه بیانگر این است که سلامت روان معلمان از سطح متوسط پایین‌تر است. همچنین میانگین به دست آمده رضایت شغلی ۷۳/۹۰ شده است که از میانگین طیف که ۶۰ بوده بیشتر شده است. نتیجه بیانگر این است که رضایت شغلی معلمان با اطمینان ۹۹٪ از سطح متوسط بالاتر است.

رضایت شغلی سطح بالاتر، هم به کارایی بیشتر آموزش و پرورش و موفقیت معلمان می‌انجامد، هم به سلامت جسمانی و روانی فرد و نهایتاً به سلامت روانی دانش‌آموزان کمک می‌کند. بدین منظور فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش‌های آماری مناسب مورد آزمون و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و نتایج ذیل به دست آمده است.

در خصوص اینکه میانگین میزان سلامت روان متوسط رو به پایین و میانگین رضایت شغلی متوسط رو به بالا می‌باشد. نشان دهنده این مطلب می‌باشد با توجه به دامنه نمرات گویه‌های سلامت روان معلمان متوسط رو به پایین است این نتیجه با یافته‌های پژوهشی (۷-۹). مطابقت دارد از طرفی میزان رضایت شغلی معلمان متوسط رو به بالا می‌باشد که با نتایج تحقیق (۱۳-۱۲). هم‌جهت است. شاید بتوان گفت با توجه به اقدامات صورت گرفته در خصوص طرح جدید رتبه‌بندی مشاغل معلمان و افزایش حقوق معلمان در مقایسه

همچنین با توجه به اطلاعات جدول ۴ نتایج تحلیل تعدیل‌گری الگوی ذکرشده درباره اثرگذار بودن جنسیت بر رابطه رضایت شغلی بر سلامت روان نشان می‌دهد میزان بتا برای گروه مردان ۰/۱۹ و برای گروه زنان ۰/۵۵ برآورد شده است؛ بنابراین تأثیر مداخله‌گر متغیر جنسیت بر اثر رضایت شغلی بر سلامت روان در بین زنان و مردان معنی‌دار گردید.

یافته‌های تحقیق تحلیل تعدیل‌گری درباره اثرگذار بودن رشته تدریس معلمان بر اثر رضایت شغلی بر سلامت روان (جدول ۴) نشان می‌دهد میزان بتا برای گروه رشته ادبیات و علوم انسانی ۰/۲۳، رشته علوم تجربی ۰/۶۸ و برای رشته ریاضی فیزیک ۰/۲۲ برآورد شده است. با توجه به مقدار حداقل و حداکثر مقدار بتا در سطح جامعه آماری برای هر گروه و مقایسه آن‌ها می‌توان نتیجه گرفت رابطه رضایت شغلی و سلامت روان در بین معلمان گروه علوم تجربی در سطح جامعه آماری قویتر از سایر رشته‌ها می‌باشد.

در جدول ۵ نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای بیانگر این است. بین رضایت شغلی و ابعاد آن با میزان سلامت روان همبستگی مستقیم مثبت و معنی‌دار و بین (رضایتمندی از شغل، سرپرست، همکاران و ترفیعات) با ابعاد سلامت روان (اضطراب/ بی‌خوابی، علائم جسمانی، سوء عملکرد اجتماعی و افسردگی) همبستگی معکوس و معنی‌دار دارد ($p < 0.01$).

بر اساس یافته‌های جدول مزبور، سلامت روان بیشترین و کم‌ترین همبستگی را به ترتیب با ابعاد رضایت شغلی همکاران ($r=0.746$) و سرپرست ($r=0.220$) دارد. همچنین رابطه بین بعد رضایت شغلی (سرپرست) با بعد سلامت روان (افسردگی) معنی‌دار نگردید. از طرفی دیگر رضایت شغلی بیشترین و کم‌ترین همبستگی را به ترتیب با ابعاد سلامت روان (اضطراب/ بی‌خوابی) ($r=-0.268$) و علائم جسمانی ($r=-0.212$) دارد.

به طوری که میزان بالای آن، زیان‌های جدی بر جسم، روان، روابط اجتماعی و حرفه افراد وارد می‌آورد.

نتایج همچنین مشخص کرد رضایت شغلی با سوء عملکرد اجتماعی رابطه دارد و یافته‌های این پژوهش با تحقیق (۲۶-۲۵). هم‌جهت است. افرادی که رضایت شغلی بالایی دارند مهارت‌های تازه مربوط به کار را زودتر می‌آموزند و با حوادث شغلی کمتری مواجه می‌شوند.

معلمان به خاطر ماهیت شغلی‌شان با مشکلات متعددی از قبیل پرحجمی کار، افت تحصیلی دانش آموزان، پایین بودن اعتباری شغلشان (۲۹-۲۷). حقوق و مزایایی ناکافی در مقایسه با سایر حرفه‌ها، بی‌علاقگی دانش‌آموزان به تحصیل، بی‌توجهی به نیازهای آن‌ها از طرف سازمان‌های آموزشی، عدم حمایت خانوادگی از آنان، کلاس‌های پرجمعیت، مسائل مربوط به ارتقای شغلی روبر هستند (۳۱-۲۹). همچنین با توجه به اعتراضات و اعتصابات که در سال‌های اخیر، توسط معلمان در نقاط مختلف کشور انجام شده نشان دهنده این موضوع است که مشکل نارضایتی افزایش یافته و یکی از آن علت‌ها مشکلات معیشتی و رفاهی معلمان می‌باشد؛ که گاهی شاهد هستیم معلمان برای امرار معاش زندگی خود شغل دوم انتخاب و حتی تا دیر هنگام برای گذران زندگی خود مشغول به فعالیت می‌باشند این مشکلات می‌تواند بر سلامت روان معلمان تأثیرگذار باشد. بر طبق پژوهش‌های انجام شده مبنی بر ارتباط سلامت روان و رضایت شغلی، پیامدهای ناشی از عوامل تأثیرگذار بر شغل معلمی می‌تواند بر سلامت روان اثرگذار بوده و این امر به نوبه خود رضایت شغلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، از این رو معنی دار بودن رابطه سلامت روان و رضایت شغلی دور از انتظار نیست.

تحلیل تعدیل گری درباره اثرگذار بودن جنسیت بر رابطه رضایت شغلی بر سلامت روان نشان داد میزان بتا برای گروه مردان ۰/۱۹ و برای گروه زنان ۰/۵۵ برآورد شده است. تأثیر جنسیت بر رابطه رضایت شغلی بر سلامت روان در زنان

با دیگر کارکنان دستگاه‌ها رضایت شغلی نسبی به وجود است.

در این تحقیق تأیید شد که بین سلامت روان و رضایت شغلی معلمان رابطه معنی داری وجود دارد به این صورت که هر چه رضایت شغلی بیشتر شود سلامت روانی معلمان نیز افزایش پیدا می‌کند. این نتیجه با یافته‌های پژوهشی ذیل همسو می‌باشد (۷-۱۱).

یافته‌های جدول شماره ۵ نشان می‌دهد بین رضایت شغلی و ابعاد آن با میزان سلامت روان همبستگی مستقیم مثبت و معنی دار و از طرف دیگر بین (رضایت‌مندی از شغل، سرپرست، همکاران و ترفیعات) با (اضطراب/ بی‌خوابی، علائم جسمانی، سوء عملکرد اجتماعی و افسردگی (همبستگی منفی معنی دار وجود دارد) $(P < /0.01)$. همچنین بین رضایت از سرپرست با افسردگی همبستگی معنی داری گزارش نگردید. افسردگی باعث می‌شود که افراد نسبت به امور زندگی بی‌علاقگی شدید پیدا می‌کنند، دچار احساس طرد شدگی، تنهایی، بیچارگی، حساسیت زیاد، اتکای به دیگران، ناتوانی در نشان دادن خشم نسبت به محیط شوند. افسردگی بالا رضایت شغلی پایین را موجب می‌گردد. رضایت شغلی شدیداً با مشکلات روانی مانند اضطراب و افسردگی و همچنین بیماری‌های جسمانی در ارتباط است. این یافته با نتایج پژوهش‌های (۲۴-۲۳). همسو است.

اضطراب بالا رضایت شغلی پایین را موجب می‌گردد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های (۲۴-۲۳). مطابقت دارد. اضطراب به‌عنوان واکنشی هشدار دهنده تعبیر می‌شود و وقتی بروز می‌کند که شخص مورد تهدید قرار می‌گیرد و با ادراک فرد از ناتوانی در مقابله با فشارهای محیطی، فقدان یا از دست دادن حمایت‌های عاطفی به‌عنوان نتیجه‌ای از تعبیرات محیطی ناگهانی و تهدید یا انتظار عدم تأیید همراه است. همچنین اضطراب یک احساس هیجان‌آمیز مبهم، بسیار ناخوشایند از دلواپسی است که با یک یا چند احساس جسمی (تنگی نفس و فشارخون بالا) همراه است،

دامنه مکانی وسیع‌تر و نیز معلمین سایر مقاطع را نیز مورد بررسی قرار دهند تا تأثیر متغیرهای تأثیرگذار و تعدیل‌کننده بر سلامت روان معلمان را در شرایط متفاوت دیگری بررسی کرده باشند.

نتیجه‌گیری

نتیجه کلی حاصل شده از این تحقیق این است که رضایت شغلی بر سلامت روان معلمان اثر گذار هست اما باید در کنار این یافته به برخی نکات دیگر حاصل شده از این تحقیق توجه کرد. سطح پایین‌تر از متوسط سلامت روان معلمان نجف‌آبادی به ویژه در گروه مردان زنگ خطری است برای نظام آموزش و پرورش، چرا که جدای از مشکلاتی که در زندگی شخصی و خانوادگی معلمان ایجاد می‌کند مشخصاً مانع از دستیابی این سیستم به اهداف تعریف شده خود در راستای آموزش و پرورش دانش آموزان می‌شود و این امر به معنای وجود چالش در تربیت درست نسل آینده هست.

اما در مقابل، سطح بالاتر از متوسط رضایت شغلی معلمان جای بسی امیدواری است که معلمان در سایه سیاست‌های اتخاذ شده انگیزه‌های بیشتری برای کار و فعالیت داشته باشند. این موضوع با توجه به تأثیر تأیید شده رضایت شغلی بر سلامت روان معلمان در این تحقیق و سایر تحقیقات انجام شده این نکته را یادآور می‌شود که می‌توان با زمینه‌سازی برای بالا بردن سطح رضایت شغلی معلمان به سلامت روانی معلمان و نیز کارایی بالاتر سیستم آموزش و پرورش کمک کرد.

در عین حال اثر مداخله‌گر تأیید شده رشته تدریس معلمان در رابطه رضایت شغلی و سلامت روان و وضع بهتر معلمان گروه علوم تجربی در مقایسه با سایرین می‌تواند زنگ خطری باشد در خصوص اینکه در حال حاضر روی نسل آینده این کشور در جهت خاصی سرمایه‌گذاری بیشتری می‌شود و این امر می‌تواند به معنای خلا تخصص همه جانبه در آینده این کشور باشد.

بیشتر از مردان می‌باشد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش (۳۲). مبنی بر اینکه معلمان زن نسبت به معلمان مرد رضایت شغلی بالاتر و از سلامت روان بهتری برخوردارند، همسو است. با توجه به اینکه از گذشته تا به امروز در فرهنگ ایرانی وظیفه تعیین مایحتاج خانواده به نوعی به عهده مردان بوده و بایستی هزینه‌های زندگی را تأمین کنند و از طرفی به دست آوردن یک شغل مناسب با حقوق و مزایای کافی مشکل است، شاید حفظ موقعیت شغلی برای مردان اهمیت بیشتری نسبت به زنان داشته باشد که این امر باعث ایجاد یک نوع ترس جهت از دست دادن شغل و به تبع آن فشار روانی در مردان می‌گردد و استرس حاصل از شرایط در مردان و نیاز آن‌ها به مشاغل با درآمد بالاتر باعث می‌گردد که از رضایت شغلی پایین‌تری نسبت به زنان برخوردار باشند. نتایج این تحقیق با یافته‌های هماهنگ می‌باشد (۳۳).

همچنین نتیجه تحلیل تعدیل‌گری رشته تدریس معلمان نیز تفاوت معنی دار بین گروه‌های مختلف را نمایان کرد و نشان داد معلمانی که در گروه علوم تجربی فعالیت می‌کنند رابطه قوی‌تری را بین رضایت شغلی و سلامت روانی تجربه می‌کنند. می‌توان این موضوع را با اقبال گسترده‌تری که دانش آموزان به رشته‌های علوم تجربی دارند مرتبط دانست چرا که این گرایش بر میزان منزلت شغلی معلمان این گروه تأثیر مثبتی دارد.

در این پژوهش برای اولین بار بود که به نوعی تحلیل تعدیل‌گری درباره اثرگذار بودن جنسیت و رشته تدریس معلمان بر رابطه رضایت شغلی و سلامت روان مورد بررسی قرار گرفت. از محدودیت‌های این تحقیق با توجه به شرایط حال حاضر جامعه و شیوع ویروس کرونا دسترسی به معلمان جهت پاسخ دادن به سؤالات پرسش‌نامه به سختی انجام و بعضی از معلمان از پاسخگویی امتناع نمودند. همچنین بررسی فوق دارای محدودیت مکانی (شهر نجف‌آباد) می‌باشد لذا لازم می‌آید که پژوهش‌های بعدی

نویسندگان این تحقیق بر خود لازم می‌دانند از اداره آموزش و پرورش نجف‌آباد اصفهان و همچنین معلمان محترمی که در این تحقیق همکاری داشته‌اند کمال تقدیر و تشکر را داشته باشند.

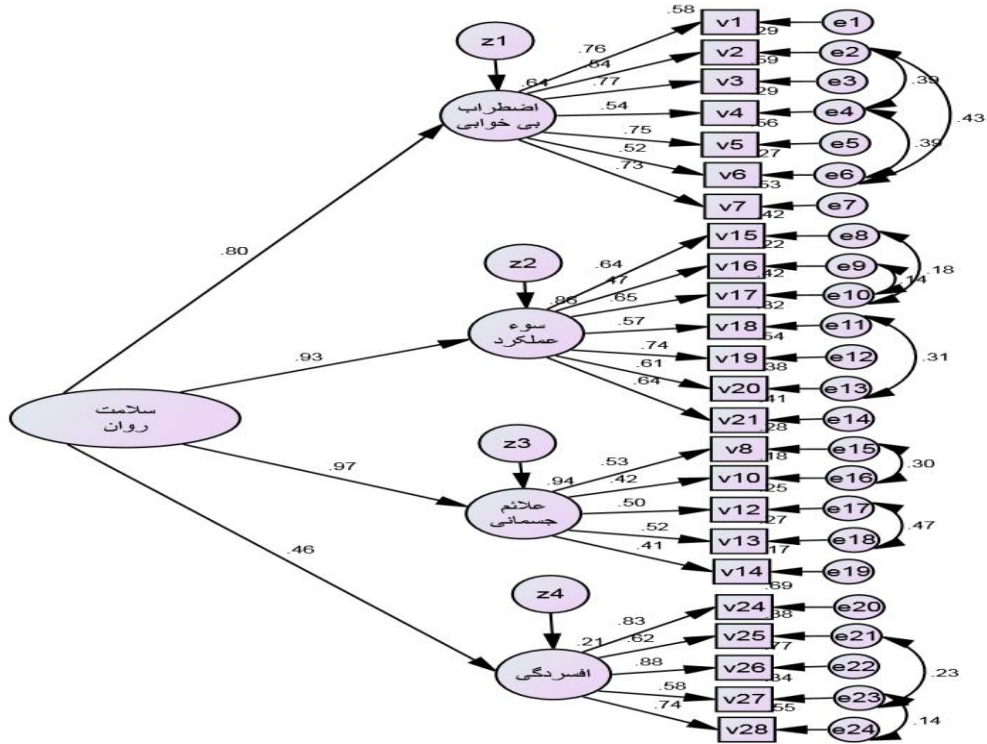
تشکر و قدردانی

جدول ۱- آماره‌های متغیرهای تحقیق (سلامت روان و رضایت شغلی) مطالعه تحلیلی بر تأثیر رضایت شغلی بر سلامت روان معلمان

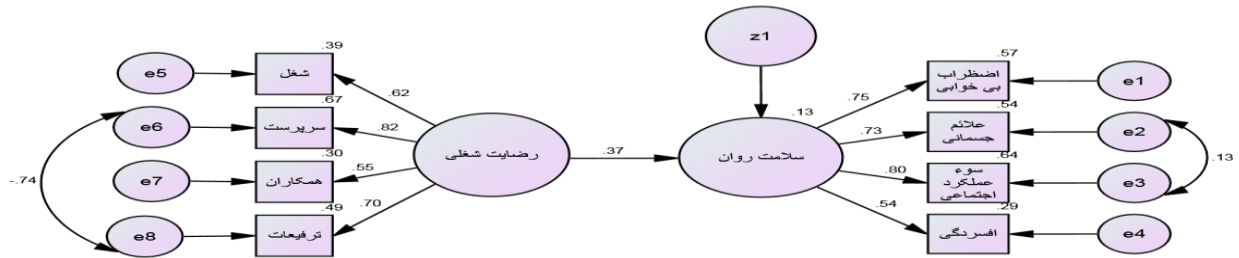
متغیر	میانگین طیف	میانگین واقعی	انحراف معیار	چولگی	دامنه	حداقل	حداکثر	آزمونی تی	سطح معنی داری
سلامت روان	۴۲	۶۶/۶۴	۰۹/۴۸	-۱/۰۶	۵۸	۲۴	۸۲	۱۳۱/۵۸	۰/۰۰۰
رضایت شغلی	۶۰	۷۳/۹۰	۱۲/۴۸	-۰/۹۴۸	۸۰	۲۰	۱۰۰	۱۱۴/۳۴	۰/۰۰۰

جدول ۲- شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری مطالعه تحلیلی بر تأثیر رضایت شغلی بر سلامت روان معلمان

شاخص	RMSEA	PCFI	PNFI	CFI	TLI	CMIN/DF
دامنه	<۰/۰۸	۰/۵۰-۱	۰/۵۰-۱	۰/۹۰-۱	۰/۹۰-۱	۱-۵
پذیرش						
مدل تحقیق	۰/۰۷۷	۰/۷۸۳	۰/۷۳۴	۰/۹۵۰	۰/۹۳۸	۳/۲۲



شکل ۱- مدل ۵ عاملی مرتبه دوم سازه سلامت روان در مطالعه تحلیلی بر تأثیر رضایت شغلی بر سلامت روان معلمان



شکل ۲- مدل معادله ساختاری اثر رضایت شغلی بر سلامت روان در مطالعه تحلیلی بر تأثیر رضایت شغلی بر سلامت روان معلمان

جدول ۳- شاخص‌های برازش مدل تأثیر رضایت شغلی بر سلامت روان در مطالعه تحلیلی بر تأثیر رضایت شغلی بر سلامت روان معلمان

شاخص	RMSEA	PCFI	PNFI	CFI	TLI	CMIN/DF
دامنه	< ۰/۰۸	۰/۵۰-۱	۰/۵۰-۱	۰/۹۰-۱	۰/۹۰-۱	۱-۵
پذیرش						
مدل	۰/۰۴۱	۰/۷۸۳	۰/۷۵۴	۰/۹۵۳	۰/۹۵۳	۲/۲۲

جدول ۴- تحلیل تعدیلگری اثر جنس و رشته تدریس معلمان بر رابطه رضایت شغلی و سلامت روان در مطالعه تحلیلی بر تأثیر رضایت شغلی بر سلامت روان معلمان

متغیر	سطح معنی داری	بتا	مقدار بحرانی	مقدار برآورد
زن	۰/۰۰۱	۰/۵۵	۶/۴۹	۰/۴۸۹
مرد	۰/۰۱۳	۰/۱۹	۲/۴۹	۰/۱۷۷
ادبیات و علوم انسانی	۰/۰۲۲	۰/۲۳	۲/۲۹	۰/۱۸۲
علوم تجربی	۰/۰۰۱	۰/۶۸	۶/۹۸	۰/۶۱۱
ریاضی و فیزیک	۰/۰۲۴	۰/۲۲	۲/۲۵	۰/۲۱۳

جدول ۵- ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین ابعاد رضایت شغلی با سلامت روان در مطالعه تحلیلی بر تأثیر رضایت شغلی بر سلامت روان معلمان

افسردگی	سوء عملکرد اجتماعی	علائم جسمانی	اضطراب / بی خوابی	سلامت روان (کل)	رضایت شغلی
-۰/۲۳۸**	-۰/۱۹۶**	-۰/۱۶۳**	-۰/۱۴۶**	۰/۲۴۶**	رضایت‌مندی از شغل
-۰/۰۹۶	-۰/۱۸۵**	-۰/۱۷۸**	-۰/۲۶۱**	۰/۲۲۰**	سرپرست
-۰/۱۰۵*	-۰/۲۰۱**	-۰/۱۰۶*	-۰/۲۰۵**	۰/۷۴۶**	همکاران
-۰/۳۵۳**	-۰/۲۱۹**	-۰/۱۹۸**	-۰/۱۸۵**	۰/۶۶۰**	ترفیعات
-۰/۲۵۳**	-۰/۲۶۷**	-۰/۲۱۲**	-۰/۲۶۸**	۰/۳۲۴**	رضایت شغلی (کل)

* معنی دار در سطح کمتر از ۰/۰۵

** معنی دار در سطح کمتر از ۰/۰۱

References

- World health organization. Mental health Gap Action program, scaling up care for mental, neurological, and substance use disorders. [cited 2011 jul 23]. Available from: <http://www.who.int/entity/mentalhealth/mhgap-final-english.pdf>.
- Alavi, SA. Psychology of Management and Organization, Tehran, Public Management Center Publications, Second Edition, 2015. [Persian]
- Fontana D. Psychology for teachers. Translation: Foroughan, M. First Edition. Tehran. Honorable. If. 2004; 538. [Persian]
- Baghani M, Dehghan Neyshaboori M. Impact of teachers' anxiety on teaching quality, Iranian Quarterly of Education Strategies. 2012; 5(1): 9-13 [Persian]
- Noorian Najafabadi M, Jahangir N. An Analysis of the Relationship between Social Trust and Mental Health (Case Study: Teachers in Tiran and Krone), Quarterly Journal of Historical Sociology, Modares University. 2011; 3(2): 59-35. [Persian]

6. Yousefi F, Azadi N, Taymoori P, Khasi B. Evaluation of trait anger elementary School teachers in Sanandajcity, Zanko Journal of Medical Sciences, 2016. [Persian]
7. Shafi Abadi A, Khalaj A, Sadi SH. Relationship between Job Satisfaction and Mental Health of the University Staff. Journal of modern industrial/organizational psychology. 2010; 1:9-19. [Persian]
8. Norouzi F, Bagheri Nesami M, Zamani F. The Association between Mental Health and Job Satisfaction in Nurses Working in Teaching Hospitals Affiliated to Mazandaran University of Medical Sciences in 2016, Journal of Health Research in Community. 2018; 3(4):33-38. [Persian]
9. Kaheh D, Heivadi T. Job, Satisfaction and Mental Health, Payesh. 2012; 11: 391-397. [Persian]
10. Rasoli Z, Eslamy R. Survey of relationship between job satisfaction and personality type with mental health in army ground Personnel. Journal of army university medicine science. 2013; 11: 96-101. [Persian]
11. Ghoudarzi H, Vameghi R, Hosseini Fouladi Sh, Khammar A, Poursadeqiyani M, Kavari SH. Relationship Between Health and Safety Management Status and Job Satisfaction Among Employees of Rehabilitation Centers With Crisis Management Approach in Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province, HDQ. 2019; 4 (4):193-200.
12. Loke EA. The natural and causes of Job satisfaction, Chicago, Rand McNally, 1976.
13. Langroudi S, Ghafori H. The Relationship between Job Satisfaction and Organizational Commitment and Job Burnout among Teachers, A New approach in Educational Management. 2015; 6(3): 109-85. [Persian]
14. Smith, PC, Kendall LM, Hulin CL. The measurement of satisfaction in work and retirement. Chicago: Rand-McNally, 1969.
15. Hassanzadeh H. Education and Development of Public Health and Life Skills, Tehran, Avand Andisheh, 2006. [Persian]
16. Goldberg DP, Hillier V. A scaled version of general health questionnaire. Psychological Medicine. 1979; 9(4):131-45.
17. Pahlavanzadeh F, Jarollahi A. The Study of Social Factors on the Mental Health of Rural Elderly, Rural Development. 2011; 3(1): 84-65. [Persian]
18. Ghirati N, Shabanifar A, Akhlaghi M, Peyman N. Relationship between communication skills and mental health in students of Mashhad University of Medical Sciences, Journal of the School of Health and the Institute of Health Research. 2015; 14(3): 72-61. [Persian]
19. Noorbala AA, Malek Afzali H, Abedinia Akhbari M, Morouji A, Vaseghi F, Nakhi Z, Shariat M, Mirzaei Neyestani M, Sadat F, Ghreshi A. Mental Health Status and Marital Satisfaction of Pregnant Women Referring to Health Centers in Kashan, Iran, Scientific Journal of School of Public Health and Institute of Public HealthResearch. 2018; 16(3). [Persian]
20. Aghayari Hir T, Vafaieaghdam T. A Study of the Impact of Social Health on Job Satisfaction (The Case of Golsan-Baft Factory's Employees in Tabriz City), Journal of Applied Sociology. 2016; 27(4): 171-190. [Persian]
21. Dashti S, Fardmal J, Piran Wise P, Salehinia H. Factors Affecting Job Satisfaction among the Staff of health care workers of Hamadan County in 2012, Pajouhan Scientific Journal. 2014; 12(4): 34-28. [Persian]
22. Poursadeghian M, Hosseini Fouladi S, Khmer A, Nabi Amjad R, Mari Oryad H, Hosseini Goshe S, Alimohammadi M,

- Kavari SH. Survey on the Relationship Between the Status of Occupational Health Management and Job Satisfaction Among Staff of Rehabilitation Centers in Tehran: A Cross-sectional Study. 2018; 20(3): 142-154. [Persian]
23. Aazami S, Shamsuddin Kh, Akmal S, Azami G. The Relationship between Job Satisfaction and Psychological/Physical Health among Malaysian Working Women, *Malays J Med Sci*. 2015; 22(4): 40-46. [Persian]
24. Naimi GH, Arabzadeh M. The relationship between stress and job satisfaction with mental health of primary school teachers, *Quarterly Journal of Counseling and Psychotherapy*. 2012; 1 (2):96-107. [Persian]
25. Hemmat P, Mohammadi MM, Namani F. The effect of personal factors and job satisfaction on teachers' mental health, *Payam Farhikhtegan Quarterly (Educational Sciences)*. 2015; 1(1):1-14. [Persian]
26. Shamloo S. *Psychopathology*, Tehran: Roshd Publications, 2012. [Persian]
27. Faragher B, The relationship between job satisfaction and health: a meta-analysis. *Occupational and Environmental Medicine*. 2005; 62:105-112.
28. Sarson E, Sarson B. *Pathological Psychology*. Translated by Mohsen Dehghani, Mohammad Ali Asghari Moghaddam, Bahman Najarian. Tehran: Roshd, 2008.
29. Laugaa D, Rasclé N, Schweitzer, M. Stress and burnout among French elementary school teachers: A transactional approach. *Revue européenne de psychologie in ding*. 2008; 58: 241-251.
30. Hakanen J, Bakker B, Schaufeli B. Burnout and work engagement among teachers. *Journal of School psychology*. 2007; 43:495-513.
31. Grayson L, Alvarez, K. School climate factors relating to teacher burnout: A mediator model. *Journal of Teaching and Teacher Education*. 2008; 24:1349-1363.
32. Yang X, Ge C, Hu B, Chi T, Wang L. Relationship between quality of life and occupational stress among teachers. *Public Health*. 2009; 123: 750-755.
33. Nira Adam E, Bogler R. The antecedents of teacher satisfaction with professional development programs. *Teaching and Teacher Education*. 2009; 24: 377-386.

An Analysis of the Effect of Job Satisfaction on Teachers' Mental Health

Beheshti SS: PhD. Assistant Professor, Department of Sociology, Yasouj University, Yasouj, Iran-
Corresponding Author: sbeheshty@yu.ac.ir

Norian Najafabadi M: PhD. Student, Department of Sociology, Yasouj University, Yasouj, Iran

Received: Sep 14, 2020

Accepted: Jan 2, 2021

ABSTRACT

Background and Aim: One of the dimensions of health is mental health that could be affected by the quality of occupational life. The purpose of this study was to determine the effect of job satisfaction on teachers' mental health with due consideration of the moderating role of gender and the subjects taught.

Materials and Methods: This was a quantitative survey using a questionnaire including a sample of 373 teachers, selected by multistage random sampling, from among all (n = 1500) the secondary school first- and second-grade teachers in Najafabad city, Isfahan Province, Iran. Data analysis was done using the software AMOS and SPSS.

Results: The confirmatory factor analysis of the items showed that these items could explain 63.25% of the variance of the mental health construct. In addition, the standard effect of job satisfaction on mental health was found to be 0.37 ($p < 0.001$), explaining 13% of the mental health construct variance. Further analysis of the data showed that the teachers' mean mental health construct (66.64) and their mean of job satisfaction (73.90) were lower and higher than the means of the respective spectra ($p < 0.001$), respectively.

Conclusion: Job satisfaction, which has been proven to affect the teachers' mental health, can improve their personal and social life and make them more efficient in education. In this regard, gender and the type of subject taught can have moderating effects on the relationship between job satisfaction and mental health of the teachers. Based on the beta-values (0.55 for the women group and 0.68 for the experimental science teachers group), the gender female and teaching experimental science can have a stronger effect on the teachers' mental health than gender male and teaching subjects other than experimental science.

Keywords: Job Satisfaction, Mental Health, Moderating Effect, Teachers, Najafabad City, Iran

Copyright © 2021 Tehran University of Medical Sciences. Published by Tehran University of Medical Sciences.



This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited.